

تمایز فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

یاسر حسین پورا، بیتا خالقیان ۲ و حسن طلوعی ۳

۱ کارشناس ارشد، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران

۲ دانشجوی دکتر، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۳ کارشناس ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علوم تحقیقات واحد کرمان، ایران

چکیده

شرکت‌ها برای در اختیار قرار گرفتن منابع سرمایه‌گذاران باید قادر باشند انتظارات آنها را برآورده سازند و همچنین بر طبق قانون باید حقوق دولت را که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مالیات است، پرداخت کنند. از اینرو هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود. مدیریت شرکت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل هزینه مالیات متعلقه به سود، اقدام به اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی جهت تعدیل انتقال منابع از سهامداران به دولت می‌کنند. و این امر منجر به افزایش ثروت و بازده مالکان خواهد شد. بنابراین هدف اصلی این تحقیق بررسی تمایز فرار مالیات و اجتناب مالیاتی می‌باشد. روش تحقیق در این مطالعه تحلیلی-توصیفی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود. فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کند، یک نوع عمل غیر رسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می‌دارد. اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلل‌های قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش مبلغ پرداخت مالیات، خود دنبال راه‌های گریز می‌گردد.

لغات کلیدی: فرار مالیاتی، اجتناب، مالیات، تمایز

۱- مقدمه

شرکت‌ها برای در اختیار قرار گرفتن منابع سرمایه‌گذاران باید قادر باشند انتظارات آنها را برآورده سازند و همچنین بر طبق قانون باید حقوق دولت را که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مالیات است، پرداخت کنند. بر این اساس چون با پرداخت مالیات میزان بازده مالکان کاهش پیدا می‌کند، این موضوع منجر به کاهش انگیزه‌ی سرمایه‌گذاران جهت خرید سهام و سرمایه‌گذاری می‌گردد. عدم توجه مدیریت به کاهش هزینه‌های ناشی از تحمیل مالیات و عدم تلاش در تعیین درآمد مشمول مالیات، باعث انتقال منابع از مالکان به دولت خواهد شد. با این توصیف انتظار مالکان این است که جهت جلوگیری از انتقال ثروتشان به دولت، مدیریت اقدام به انجام فعالیت‌هایی نماید که سود حسابداری را محافظه‌کارانه‌تر شناسایی کنند، در این میان قیمت سهام شرکت نیز نه تنها کاهش نداشته باشد، بلکه افزایش هم داشته باشد. به همین منظور مدیران شرکت‌ها برای برآورده شدن انتظارات سرمایه‌گذاران به دنبال راه‌کارهایی هستند تا از آن طریق بتوانند مالیات پرداختنی واحد اقتصادی را کاهش دهند و از کاهش بازده شرکت نیز جلوگیری کنند. یکی از این ابزارها اجتناب مالیاتی می‌باشد که جهت انجام هرچه بهتر آن و دست‌یابی به هدف اصلی آن که افزایش شرکت و ثروت مالکان است، باید کیفیت گزارشگری را به همراه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی افزایش دهند.

۲- تعریف مالیات

مالیات به مثابه یک نوع هزینه اجتماعی است که آحاد یک ملت در راستای بهره‌وری از امکانات و منابع یک کشور موظفند آنرا پرداخت نمایند تا توانایی‌های جایگزینی این امکانات و منابع فراهم شود. مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد زیرا ابزار و امکانات دست‌یابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته‌است. دولت‌ها برای جبران هزینه‌های خدماتی که به شهروندان انجام می‌دهند، از طریق وضع مالیاتی اقدام مینمایند و البته هدف از وضع مالیاتی برای اغلب کشورها جبران هزینه نیست زیرا از طریق مالیات نقدینگی دچار تغییرات می‌شود که بعد از جبران هزینه مهم‌ترین عامل وضع مالیاتی می‌باشد. مالیات مقدار پول و یا مالی است که شهروندان یک کشور طبق قانون به دولت خود می‌پردازند تا در جهت اداره امور کشور تامین کالاها و خدمات عمومی و ضروری تضمین امنیت و دفاع همگانی و عمران و آبادانی توسط دولت مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. مالیات ریشه تاریخی طولانی و عمیقی دارد و عمر آن با پیدایش نخستین حکومتها و سازمانهای مدیریت اجتماعی همراه می‌باشد. تنها نوع و مقدار مالیات و نحوه وصول آن متفاوت بوده است و اصل آن هیچگاه متروک نمی‌شده است. در برخی از کشورهای جهان باستان از قبیل کلد و آشور در (بین‌النهرین) و (آتن)، فرهنگ وصول مالیات از مردم تابع قوانین مدون بوده ولی در بسیاری از نقاط جهان مسئله مالیات از نظر چگونگی وصول و اندازه آن تابع اراده دولت مرکزی و یا پادشاه بوده است که در برابر دریافت مقداری پول و یا کالا در سال، حکومت و فرمانداری مناطق گوناگون را به افراد واگذار می‌کرده است. حاکم منطقه نیز که به یک طایفه و قبیله و منطقه و یا شهر و ایالتی منصوب می‌شد آن اندازه از پول و کالا جهت دولت مرکزی با افزودن مبالغ هنگفتی برای اداره امور منطقه و خود و ذخیره شخصی بطور سرانه و یا خانواری از مردمان زیر سلطه خود وصول می‌کرد و در نپرداختن آن برای پادشاه و حاکم منطقه هیچ عذری پذیرفته نبود. از اینرو در عصر حاضر یکی از پایه‌های استوار کشورداری، ترقی و پیشرفت و ارائه خدمات به مردم و در نتیجه دریافت مالیات می‌باشد. دریافت مالیات از جامعه در کشورهای جهان امری طبیعی و براساس سیاست مالی می‌باشد و در برخی از کشورهای صنعتی جهان ۹۰ تا ۹۸ درصد بودجه عمومی از طریق مالیاتها تامین می‌شود و مردم نیز هیچگونه واکنش منفی در برابر آن بروز نمی‌دهند. برای پرداخت مالیات دو نگرش وجود دارد، نگرش اول روی دو اصل داوطلبانه بودن مالیات و مشروط بودن آن به استفاده افراد از خدمات دولتی می‌باشد. نگرش دوم به اصول اجباری بودن و بلا شرط بودن آن تاکید می‌کند. که امروزه نگرش مطرح در حکومت‌ها جهت اخذ مالیات از مردم، نگرش اجباری و بلا شرط بودن آن می‌باشد. بدین جهت که با پرداخت مالیات بخش قابل توجهی از ثروت اشخاص به دولت‌ها انتقال پیدا می‌کند، فعالیت‌هایی جهت تعدیل این انتقال منابع از طرف مالکان درخواست و توسط مدیریت واحدهای تجاری به اجرا در می‌آید. در فرار مالیاتی برای تعدیل هزینه مالیات متعلقه، اقداماتی از طریق فرآیندهای غیر قانونی غیر قابل

توجیه به اجرا گذاشته می شود، ولی اجتناب مالیاتی از طریق قوانین و معافیت های مصوب مراکز قانونی، در واحدهای تجاری انجام می شود تا مالیات کمتری پرداخت شود (دسای و دارماپالا ۲۰۰۹). یکی از مصادیق این معافیت ها در ایران، معافیت موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م می باشد که بر حسب آن، درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت های تولیدی و معدنی در بخش های تعاونی و خصوصی که پروانه فعالیت آنها از طرف وزارت خانه های ذیربط صادر شده باشد، به میزان هشتاد درصد و به مدت چهار سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به میزان صد در صد و به مدت ده سال از مالیات موضوع ماده ۱۰۵ ق.م.م معاف می باشند.

۳- مفهوم اجتناب مالیاتی

مالیات متعلقه به سود شرکت ها، یک هزینه قابل توجهی را به شرکت و سهامداران تحمیل می کند. تحت قوانین موجود مالیاتی، شرکت های تجاری بخش قابل توجهی از سود حاصله خود را باید به دولت پرداخت کنند که این موضوع باعث کاهش درآمد مالکان می شود و این امر رغبت سرمایه گذاری در شرکت ها را کاهش می دهد. مدیریت شرکت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل هزینه مالیات متعلقه به سود، اقدام به اجرای برنامه های اجتناب مالیاتی جهت تعدیل انتقال منابع از سهامداران به دولت می کنند. و این امر منجر به افزایش ثروت و بازده مالکان خواهد شد. (دسای و دارماپالا ۲۰۰۹)^۱

نظریه مرسوم و معمول در خصوص برنامه های اجتناب مالیاتی این است که به عنوان ابزاری مالیات را در واحد تجاری ذخیره و منابع را از دولت به مالکان انتقال می دهد و سود پس از کسر مالیات قابل توزیع بین سهامداران را افزایش می دهد. طی تحقیقات انجام شده در حوزه اقتصادی، نتایج حاصله مبین این نکته است که اجتناب مالیاتی همیشه منجر به افزایش ثروت سهامداران نمی شود و تاکید بیشتر آنها بر هزینه های نمایندگی ناشی از کاربرد برنامه های اجتناب مالیاتی می باشد، تحت این بخش از نظریه اجتناب مالیاتی، این گونه مطرح می شود که اجرای برنامه های غیر شفاف و مبهم اجتناب مالیاتی امکان سوء استفاده مدیریت تحت عناوین برنامه های گوناگون پوشش مالیاتی، تسهیل و افزایش مییابد. هزینه های غیر قابل اجتناب ناشی از برنامه های اجتناب مالیاتی شامل هزینه های مستقیم که مرتبط با اجرای برنامه های مالیاتی، هزینه های غیر مستقیم و هزینه های غیر مالیاتی به ویژه هزینه های نمایندگی ممکن است منافع حاصل از ذخیره و تعدیل هزینه مالیات را تبدیل به زیان کند. اجتناب مالیاتی همیشه به نفع سهامداران تمام نمی شود، به طوریکه در بخشی از تحقیقات انجام شده در چارچوب تئوری نمایندگی نتایج حاصله نشان می دهد مدیران فرصت طلب تکنیک ها و روش های اجتناب مالیاتی را که به نفع شخصی خودشان است به کار می گیرند (دسای و دارماپالا ۲۰۰۶).

در دو دهه گذشته مطالعات گوناگونی درباره اینکه چرا برخی شرکت ها بیشتر از بقیه از برنامه های اجتناب مالیاتی استفاده می کنند صورت گرفته است.

مطالعات اولیه بر روی ویژگی های شرکت ها به عنوان شاخصی برای فرصت ها، انگیزه ها و منابع متمرکز صورت گرفته بودند برای اینکه توضیح دهند چرا برخی شرکت ها اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به بقیه دارند (رگو ۲۰۰۳).

طبق نظر هانلون و هیتمن (۲۰۱۴) اجتناب مالیاتی بعنوان کاهش قابل توجه در میزان سود قبل از مالیات تعریف می شود. نتایج تحقیقات کاتریک بالاکریشن و همکاران (۲۰۱۰) حاکی است که راه کار های اجتناب مالیاتی، انعطاف پذیری مالی شرکتها را به همراه عدم اطمینان سهامداران از سودآوری آتی شرکت افزایش می دهد، و این امر عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران را نیز افزایش خواهد داد.

رگو و ویلسون (۲۰۰۸)^۲ به بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی بر میزان پاداش مدیران شرکت پرداختند. آنها دریافتند که اعطای پاداش و امتیازات به مدیران برای تشویق آنها در اجتناب از مالیات موثر است و با توجه به رابطه مثبت بین میزان پرداخت پاداش به مدیران و اجتناب مالیاتی دریافتند که اعطای پاداش به مدیران جهت کاهش میزان مالیات، بهتر از فرصت طلبی و ایجاد رابطه های غیرقانونی با اشخاص ثالث جهت اجتناب مالیاتی می باشد.

¹ Desay & Darmapala 2009

² Rego & Vilson 2008

همچنین مطالعات اخیر در این بخش از تحقیقات نیز هدایت شده اند، که چگونه هزینه های نمایندگی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت ها تاثیر می گذارد. در راستای هزینه های نمایندگی اجتناب مالیاتی نتایج تحقیقات حاکی از آن است که بین میزان انگیزه پاداش و سطح پنهان کاری مالیاتی رابطه منفی وجود دارد. این رابطه منفی بیشتر در شرکت هایی که دارای سیستم حاکمیت شرکتی ضعیف هستند به چشم می خورد. رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و انگیزه هایی مانند پاداش مدیران بر مبنای عملکرد، همسویی منافع مدیریت به منافع مالکان نشانگر آن است که به ویژه در شرکت های با حاکمیت شرکتی ضعیف، کنترل های کافی برای عملکرد مدیریت وجود ندارد و مدیریت از این اتفاق سود بیشتری می برد. جهت تبدیل رابطه منفی مذکور رابطه مثبت تقویت انگیزه های مذکور بر اساس سود پس از کسر مالیات، لازم می باشد تا اجتناب مالیاتی به ابزاری جهت انحراف و سوء استفاده مدیریت تبدیل نشود و برنامه های مالیاتی به صورت اثربخش و کارا به اجرا در آیند (دسای و دارماپالا ۲۰۰۶).

مدیران واحد های اقتصادی اغلب جهت منفی نگه داشتن سود واقعی شرکت از ممیزین مالیاتی سعی می کنند اهداف اصلی فعالیت های اجتناب مالیاتی را مبهم و غیر شفاف نشان دهند. فضای مبهم و غیر شفاف که برنامه های اجتناب مالیاتی ایجاد می کند، می تواند یک سپری برای مدیران و سهامداران با نفوذ ایجاد کند که برنامه های واحد تجاری را در جهت منافع خود طراحی و اجرا نمایند. بنابراین جنبه هزینه های نمایندگی اجتناب مالیاتی این نکته را بیان می کند که احتمال دارد برنامه های اجتناب مالیاتی همیشه از طرف مالکان تقاضا نشود. اگر سهامداران برون سازمانی بر این اعتقاد باشند که برنامه های اجتناب مالیاتی با منافع مدیریت همسویی داشته باشد، کاهش قیمت سهام واحد تجاری، منافع ذخیره شده ناشی از اجتناب مالیاتی را خنثی خواهد کرد (میلر ۲۰۰۶).^۳

۴- فرار مالیاتی

هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می شود. تعریف فرار مالیاتی، برای انواع مالیات ها یکسان است. در فرار مالیاتی، به رغم تطبیق فعالیت با قوانین، در اجرای فعالیت یک یا چند ضابطه مصوب مراجع ذی ربط تعمداً نادیده گرفته می شود. (عماد زاده-۱۳۹۱)

۵-زمینه های پیدایش فرار مالیاتی

بررسی های مختلف نشان می دهد شایع ترین زمینه های پیدایش فرار مالیاتی چنین است:

- ۱- عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه: فرهنگ مالیاتی، مجموعه ای از طرز تلقی، بینش و عکس العمل افراد در قبال نظام مالیاتی است. به عبارت دیگر طرز تلقی، بینش، برداشت، آرمان ها، ارزش های اجتماعی، قوانین جاری و میزان تحصیلات و آگاهی، از جمله عواملی هستند که فرهنگ مالیاتی را شکل می دهند.
- ۲-عدم مبادله کامل اطلاعات و نبودن سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات
- ۳-تشخیص علی الراس و وجود ضعف در اجرای آن
- ۴-عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه های مالیاتی و ضعیف بودن ضمانت های اجرایی: ارسال نکردن اظهارنامه، دلایل گوناگونی دارد. رایج ترین دلیل عدم ارسال، می تواند این باشد که در صورت به روز نبودن ثبت مؤدی، بهترین امکان برای ارسال نکردن اظهارنامه و پس از آن فرار از پرداخت مالیات فراهم شده است. دلیل دیگر عدم برخورد قاطع ماموران مالیاتی است که آن هم می تواند به دلیل عدم آشنایی و عدم تسلط کافی ماموران مالیاتی به قوانین مالیاتی و نداشتن مهارت کافی در اجرای آنها باشد.
- ۵-تاخیر در وصول مالیات
- ۶-عدم شناخت مودیان و مستند نبودن میزان درآمد آنها.

³ Miler 2006

۷- وجود معافیت های وسیع و متنوع: دولت ها گاه با اتخاذ برخی سیاست های حمایتی مالیاتی و معافیت های مالیاتی، راه فرار مالیاتی را باز می کنند و در صورتی که در سیستم اطلاعات کارآمد نیز در نظام مالیاتی موجود نباشد، فرار مالیاتی گسترش میابد. همچنین با اعطای معافیت های مالیاتی، گروهی از پرداخت مالیات معاف می شوند و این امر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می شود. بنابراین، اگر اعطای معافیت ها با دقت لازم صورت نگیرد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی مورد نظر، فشار سنگینی را بر گروه های دیگر جامعه وارد می کند. یعنی برای جبران بخش خالی کاسه درآمد مالیاتی، میزان نرخ های مالیاتی بیشتری، بر گروه هایی که از معافیت های مالیاتی بهره مند نیستند، تحمیل خواهد شد. بی تردید اعطای معافیت های مالیاتی گسترده، به ناکارایی نظام مالیاتی و ضعف نظام اجرایی مالیاتی منجر می شود. (مجله حسابرس تابستان ۱۳۸۹).

۶- تمایز فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می شود. فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می شود، امتناع می کند، یک نوع عمل غیر رسمی انجام می دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می دارد. اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلل های قانونی در قانون مالیات ها نشات می گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش مبلغ پرداخت مالیات، خود دنبال راه های گریز می گردد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می دهد که از نرخ پایین تری برای مالیات برخوردارند. در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چرا که او الزاماً تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیر واقعی، یادداشت و ثبت می کند. (مجله حسابدار تابستان ۱۳۸۹) در واقع، عوامل اقتصادی با استفاده از روزه های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. از آنجا که اجتناب از پرداخت مالیات فعالیتی به ظاهر قانونی است، از این رو بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است. این مقوله به بررسی و یافتن راه های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی مرتبط می شود که مؤدیان به آن وسیله خود را به نحوی از افراد مشمول مالیات کنار می زنند. مثلاً تبادل درآمد نیروی کار به درآمد سرمایه که نرخ کمتری از مالیات را به همراه دارد، مثالی از اجتناب مالیاتی است. به عنوان مثال، فرض کنید بر فعالیتی چون فروش دوچرخه، مالیات بر ارزش افزوده وضع شود. حال اگر فروشنده ای برای پرداخت مالیات کمتر، دوچرخه کمتری بفروشد، رفتار وی بر پایه اجتناب از مالیات است. اگر همین فروشنده برای پرداخت کمتر مالیات، میزان فروش دوچرخه را کمتر از مقدار واقعی آن به اداره مالیات گزارش کند، رفتار وی فرار از مالیات قلمداد می شود. بنابراین اجتناب مالیاتی، قانونی و برای کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است، اما تقلب یا فرار مالیاتی، غیرقانونی و مبادرت عمدی به اعمال خلاف قانون است. نظام مالیاتی در شرایط آرمانی، باید قابلیت مقابله با هر دو نوع فرار مالیاتی را داشته باشد. (مجله حسابدار تابستان ۱۳۸۹)

نتیجه گیری

در این بررسی بعد از مقدمه و تعاریف فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی به بررسی تفاوت این دو مبحث پرداخته شد. فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می شود، امتناع می کند، یک نوع عمل غیر رسمی انجام می دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می دارد. اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلل های قانونی در قانون مالیات ها نشات می گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش مبلغ پرداخت مالیات، خود دنبال راه های گریز می گردد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می دهد که از نرخ پایین تری برای مالیات برخوردارند. در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چرا که او الزاماً تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیر واقعی، یادداشت و ثبت می کند. این مقوله به بررسی و یافتن راه های گریز از

پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی مرتبط می شود که مؤدیان به آن وسیله خود را به نحوی از افراد مشمول مالیات کنار می زنند. مثلاً تبادل درآمد نیروی کار به درآمد سرمایه که نرخ کمتری از مالیات را به همراه دارد، مثالی از اجتناب مالیاتی است. بنابراین اجتناب مالیاتی، قانونی و برای کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است، اما تقلب یا فرار مالیاتی، غیرقانونی و مبادرت عمدی به اعمال خلاف قانون است.

منابع

۱- عمادزاده، محمدکاظم و مسیب زاده، چنگیز (۱۳۹۱)، فرار مالیاتی، زمینه پیدایش و راهکارهای جلوگیری از آن، ماهنامه دادرسی شماره ۹۲، سال شانزدهم، خرداد و تیر ۱۳۹۱

Desai, M. A. , and D. Dharmapala (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics* 79: 145-179

Krishnan, G. (2005). Did Houston clients of Arthur Andersen recognize publicly available bad news in a timely fashion? *Contemporary Accounting Research*, 22(1), 165–193.

Krishnan, G. (2007). Did earnings conservatism increase for former Andersen clients? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 22(2), 141–163.

Rego, S. O and R. Wilson (2008). Executive compensation, tax reporting aggressiveness, and future firm performance. Working paper.